

در تو بپس خراج خواهد شد نزار این بین و خواست دو دیار بسوی
 و جلال اینها نام است در جلال و در رعایت بخاری
 و مسلم آگاه است از ابو نعیم مدری که فرموده رسول الله ص
 که خواهد آمد و جلال و بر کوشش که داخل شود را تا مدینه را
 پس از آن خواهد کرد و بعضی این شهر که در سال هجرت است برین
 مردی که بجهت برایشان است بسوی جلال میفرماید گفت
 این در حجر که کواچی میهم که بدستیکو تو بهرین جلال هستی که خواهد
 ما را رسول الله ص و وصف کرده جان برین خطا
 خواهد کرد و جلال را اتباع خود را خواهد گفت که جز بسوی
 که اگر بکشید و اشاره خواهد کرد بسوی مردم خیر که ای شایسته
 در امرین و مراد او بهیئت خود داشته پدید آید و میند
 اتباع و کشایه که درین شهر است و جلال این مردم خیر را
 پس نه خواهد شد و نیز گفت این مردم خیر که نشسته است با

زنده

زنده شده است که قاضی است نمودم من در گذشت زمان
 اش در یقین از خود که درین روز یقین دین این یعنی آنچه که سابق
 یقین استم که تو در جلالی که ای باین وقت هم همین یقین دین
 پس را ده خواهد کرد و جلال که بازنه کن بر قدرت خود آید
 بر قتل وی بدینجا این قتل می احمیا و بی شبهه زناست راجعات
 و جلال است و هرگز بوی که است در آن نیست لیکن علماء در آن
 کرده که قتل و احمیا بحسب نفس الهی است یا در شیخ اکبر شیخ
 محی الدین با بر سبب قدس و بر آنکه در قتل و احمیا در هشتم
 را ایسان است نه در واقع این حال مقبول بود و نه می شود بلکه
 چنانچه سابق می بود بر همین حیات باقی است و این افعال
 مثل افعال با بجز این است و نیز علماء را در آن اختلاف است
 که این بر جلال است بعضی گویند که این می است از اصحاب کتیب
 و شیخ اکبر و سوره مندر میاید از قتل نزد ما صحیح نیست